

پیش‌خوانی

گذری بر اثر نوانتشار «انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در منطقه»

ایران الهام‌بخش یک خیزش

■ **علی احمدی‌فراهانی**



بدون شک افکار و سیره حضرت امام خمینی(ره) در بیداری اسلامی و حتی در سطح وسیع‌تر بیداری بین‌المللی و جهانی دارای نقش و جایگاه حائز اهمیت است. جایگاه حضرت امام خمینی(ره) از جنبه دینی و اسلامی در بیداری جهان اسلام و مسلمانان، جایگاهی است که از صدر اسلام به بعد همتایی برای آن نمی‌توان یافت، زیرا شخصیت ایشان نهضت، افکار، عملکرد، ارائه راهبردها و تاکتیک‌هایشان عمیقاً در جهان اسلام تأثیر گذاشت. ایشان در عین حالی که مفهوم قدرت در عرصه بین‌المللی را پذیرفته بودند، در گفتمان ویژه و خاص خودشان، معنا و تعریف قدرت در سطح روابط بین‌المللی را که برگرفته از قرآن و حدیث بود، از جنبه‌های فیزیکی و ملموس به جنبه معنوی و غیر ملموس سوق دادند.

بیداری اسلامی مقوله‌ای است که هم‌زمان با تهاجم همه‌جانبه غرب در جهان اسلام و عصر استعمار شروع شد و از آغاز تا عصر حضرت امام خمینی(ره) مراحل گوناگونی را پیمود. این حرکت که مشخصاً با اندیشه‌های کسانی چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی شروع شده بود، همواره در میان حلقه‌های محدود و معین ظهور یافت و البته هیچ‌گاه نتوانست به‌مثابه یک گفتمان مسلط عمل کند، حتی در زمانی که این جریان توسط کسانی چون حسن البنا و سید قطب در مصر ابعاد گسترده‌تری یافت، باز هم موفقیت چشمگیری را به دست نیاورد.

حضرت امام خمینی(ره) برای نخستین بار توانست گفتمان بیداری اسلامی را تبدیل به پراگماتیک سیاسی کند. ایشان با این ابتکار نه‌تنها آن را وارد حوزه عمل همه توده‌های مسلمان کرد، بلکه نفوذ آن تا حدی بود که از مرزهای عقیدتی و مذهبی گذشته و به گفتمان غالب مستضعفان جهان



تبدیل شده است. همین بحث منجر به تبدیل شدن گفتمان بیداری اسلامی از یک خرده‌گفتمان به گفتمان مسلط شد که در واقع نخستین و مهم‌ترین دستاورد قرن اخیر است.

بدون تردید انقلاب اسلامی عامل عمده بیداری اسلامی است و نقش ویژه آن در روند بیداری ملل مسلمان انکار ناکردنی است. پدیده انقلاب اسلامی پس از چند سده به شکل عملی و عینی، اسلام و جوامع اسلامی را از انزوا و سکون خارج کرد و انرژی آزادشده از این جریان‌ها و جنبش‌های اسلامی، مردم مسلمان منطقه را نسبت به حق و حقوق و توانایی‌های خود آگاه کرد. نهضت‌های اسلامی و جریان‌های فعال متأثر از واقعه انقلاب اسلامی، شعارها و شعارهای انقلابی ایران را مانند جهاد، شهادت و ایثار به عنوان اصول اساسی مبارزات خود پذیرفتند. از جمله شعارهای صادراتی انقلاب اسلامی که جنبش‌ها و جریان‌ها در تحرکات، راهپیمایی‌ها، نماز جمعه و جماعت خود همواره بر آنها تکیه می‌کنند، شعارهایی مانند الانسلام هو الحلی، الله اکبر، میهات منا الله، الموت لامریکا و اسرائیل و سایر شعارهای آمیخته با رنگ و بوی مذهبی است.

آنچه در کتاب «انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در منطقه» و در فصول مختلف پرداخته شده این است که ضمن بیان خاستگاه‌های تحولات جدید در خاورمیانه عربی و تأثیرپذیری از قدرت نرم جمهوری اسلامی، آسیب‌شناسی تحولات در کشورهای حساس در این منطقه بیان شود.

اثری که از آن سخن می‌رود در سه بخش و شش عنوان چهارچوبی مفهومی برای پیشبرد مباحث نظری چهارمیانه پژوهی مطرح می‌کند. بر این اساس در بخش اول به بیان کلیات و ادبیات نظری تحقیق پرداخته و به وجوه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و وجوه متمایز بودن بیداری اسلامی نسبت به گفتمان غربی – که تأکید بر بهار عربی می‌کند – بیان شده است. پس از آن در بخش دوم به تجارب انقلاب‌های موفق مثل تونس، مصر و لیبی پرداخته و در بخش سوم نیز کسه با عنوان دوران انقلابی این ملت شده به بیان تحولات بحرین پرداخته شده است، البته ناگفته نماندست در این متن نویسنده مدعی نیست همه مطالب در خصوص این انقلابات به ورشته تحریر و احصا درآمده است بلکه این متن می‌تواند مقدمه‌ای در تکمیل افق‌های آینده در مطالعات آسیب‌شناسانه تحولات خاورمیانه در جامعه علمی کشورمان باشد.



«**حاشیه‌هایی تاریخی از تدفین دکتر شریعتی در زینبیه»**
در گفت‌وشنود با زنده‌یاد دکتر حسین رزمجو

امام صدر خود را سپر بلای شریعتی کرد

■ **محمد رضا کابویی**

آنچه پیش رو دار ید از واپسین گفت و شنودهای نگارنده با زنده‌یاد دکتر حسین رزمجو یار دیرین مرحوم دکتر علی شریعتی است که سال گذشته رخ در نقاب خاک کشید. مرحوم رزمجو در این مصاحبه زمینه‌ها و پیامدهای تدفین دکتر شریعتی در زینبیه دمشق را تحلیل کرده است.

■ ■ ■

جنابعالی به عنوان یکی از باسابقه‌ترین دوستان مرحوم دکتر شریعتی که از دوره دانشگاه با ایشان آشنایی داشتید، در جریان کم و کیف زندگی و فراز و نشیب‌های فراوان حیات علمی و سیاسی وی بوده‌اید. یکی از مهم‌ترین فرازهای زندگی آن مرحوم، چگونگی به خاکسپاری پیکر او در جوار حرم حضرت زینب(س) و جواشی آن است. لطفاً در این‌باره توضیح بفرمایید.

بسم الله الرحمن الرحیم. هنگامی که خبر درگذشت مرحوم مرحوم دکتر علی شریعتی در ۲۹ خرداد سال

۱۳۵۶ به ایران رسید، موج عظیمی از اندوه، به‌ویژه جامعه دانشگاهی ایران را فرا گرفت. بنده بارها در سخنرانی‌ها، مقاله‌ها و کتاب‌هایی که درباره مرحوم دکتر علی شریعتی بیان کرده یا نگاشته، به این نکته اشاره کرده‌ام که نقد آرا و افکار افراد نباید موجب شود جانب انصاف را فراموش کرد. خدمت‌انها را نادیده بگیریم. دکتر شریعتی از نظر بنده یک مبارز نمونه و اصیل و دارای افکار بلند ی است و کسانی که به او چسب تکفیر، ارتداد، کمونیست و وهابی بودن زده‌اند، متأسفانه درباره زندگی و آثار او مطالعه دقیقی نکرده‌اند. برای او همین افتخار کافی است که ۱۹ سازمان مبارز و جنبش‌های آزادی‌خواهانه در جهان، برایش مراسم سوگوار ی برگزار کردند و فقدان او را ضایعه‌ای برای انسانیت دانستند.

مرحوم دکتر شریعتی در اواخر شب ۲۹ خرداد سال ۱۳۵۶ در شهر ساوت‌همپتون انگلستان به طرز مشکوکی فوت کرد. دکتر پس از تعطیل شدن حرم زنده‌اش، دوران پر از زنج و فشاری را از طریق ساواک و نیز زخم زبان‌ها و نیش قلم‌های مخالفان سپری کرد. طرفه آنکه او که عمری با جگر سوخته، بیانی شسیوا و قلمی آستین از مکتب اهل بیت(ع) دفاع کرده و آثار نغزی چون «فاطمه فاطمه است»، «حسین وارث آدم» و «علی تنهاست» را به وجود آورده بود، اینک به جرم طاعت‌فرا اسلام‌خانه‌نشین شده بود و جلوی سخنرانی‌ها و نشر کتاب‌هایش را گرفته و به بازنشتگی زود هنگام و دوری از کلاس و تدریس مجبورش کرده بودند! بدیهی است چنین جو سنگین و فضای مهمپی برای کسی که همچون شیخ سوزانی می‌سوخت و به اطراف خود روشنی می‌بخشید، چقدر طاقت‌فرسا و غیرقابل تحمل است.

شاید برای فهم بیشتر موضوع اصلی بحث، لازم باشد بفرمایید زمینه‌های اصلی مهاجرت دکتر شریعتی از ایران چه بود؟ چه شد که وی تصمیم گرفت از ایران خارج شود؟

دکتر شریعتی بلاشک تأثیر فراوانی در جوانان مسلمان، دانشجویان و روشنفکران عصر خود داشت و افرادی را که به دلیل انفعال و سکوت متدینین در برابر جور و ستم رژیم شاه به مکاتب چپ و کمونیست‌ها گرایش پیدا کرده بودند، به



د

دکتر یک ماه در فرانسه می‌ماند و در این فاصله با شخصیت‌هایی چون دکتر چمران و امام موسی صدر ملاقات می‌کند. او می‌کوشد در تبعید حسینیه ارشاد دیگری را راه بیندازد و سازمان انتشارات آن را تأسیس می‌کند و مسئولیتش را به دکتر حبیبی می‌سپارد و به این ترتیب مجموعه آثار او در اروپا چاپ و منتشر می‌شود

ظاهرأ ابتدا در لندن مراسم تشییع انجام شد. اینطور نیست؟

بله، به محض اینکه خبر فوت دکتر در ایران، اروپا و امریکا پخش شد، دوستان و طرفداران او به سوی لندن سرازیر شدند. پس از غسل و تکفین، بر جنازه نماز خواندند و سپس جنازه به دوش صدها تن از دوستانران دکتر قرار گرفت و تشییع باشکوهی به عمل آمد. افرادی که در این مراسم شرکت کرده بودند، از ترس شناخته شدن چهره خود را پوشانده بودند. روزنامه observer لندن در شماره ۳۱ خرداد خود نوشت: «روز شنبه هفته جاری، هنگامی که ۷۰۰ مسلمان نقاب‌پوش پیکر جامعه‌شناس و فیلسوف ایرانی، دکتر علی شریعتی را مشایعت می‌کردند، عبور و مرور در خیابان Hammer Smith متوقف شد!»

انعکاس این خبر در ایران چه پیامدهایی داشت؟

هنگامی که در روز سه‌شنبه ۳۱ خرداد سال ۱۳۵۶ روزنامه‌های کیهان و اطلاعات خبر فوت دکتر شریعتی را چاپ کردند، در تهران و سایر شهرها، به‌ویژه مشهد طوفانی از تأثر و احساسات به وجود آمد…

ظاهرأ رژیم قصد داشت جنازه را به ایران برگرداند. اینطور نیست؟

رژیم حتی تصورش را هم نمی‌کرد مرگ دکتر شریعتی چنین امواج سهمگینی را برانگیزد و جامعه را دچار التهاب مضاعف کند، لذا ساواک تلاش کرد به هر شکل که شد، امت جنازه را به ایران بیاورد و باشکوه و سر و صدای فراوان به خاک سپارد و به این شکل چهره مبارز و مقاوم دکتر را نزد انقلابیون، دانشجویان و عامه مردم چند روزی را در منزل مرحوم دکتر حسن حبیبی اقامت می‌کند.

چه مدت در فرانسه می‌ماند و چه فعالیت‌هایی می‌کند؟

دکتر یک ماه در فرانسه می‌ماند و در این فاصله با شخصیت‌هایی چون دکتر چمران و امام موسی صدر ملاقات می‌کند. او می‌کوشد در تبعید حسینیه ارشاد دیگری را راه بیندازد و سازمان انتشارات آن را تأسیس می‌کند و مسئولیتش را به دکتر حبیبی می‌سپارد و به این ترتیب مجموعه آثار او در اروپا چاپ و منتشر می‌شود.

چه وقت به انگلستان می‌رود؟

دکتر پس از آنکه آثارش را چاپ می‌کند، در شب ۲۶ خرداد سال ۱۳۵۶ از طریق دریای منش با کشتی خود را به انگلستان می‌رساند و در آپارتمان دکتر فکوهی اقامت می‌کند تا همسر و سه دخترش از ایران بیایند. در روز ۲۸ خرداد به فرودگاه لندن می‌روند و فقط دو دخترش سوسن و سارا را می‌بینند. آنها به او خبر می‌دهند ساواک مادرشان را ممنوع‌الخروج کرده است. آقای داعی که مقیم نجف بودند با آنها دخترش به اقامتگاهش در ساوت همپتون می‌روند. پس از شام کمی گفت‌وگو می‌کنند و دکتر برای استراحت به طبقه بالای آپارتمان می‌رود.

افرادی که در لحظات آخر عمر مرحوم شریعتی در کنارش بودند چه می‌گفتند؟
دخترش سوسن می‌فقت: « ساعت ۱۱ شب بود که پدرم مرا صدا زد و یک فنجان چای خواست. برایشان بردم و دیدم مشغول مطالعه هستند. اثری از کسالت یا بیماری در ایشان ندیدم، به همین دلیل با خیال راحت برگشتم و خوابیدم.»

دکتر فکوهی میزبان دکتر می‌گوید: «واخر شب ۲۹ خرداد سسری به اتاقش زدم و دیدم نماز می‌خواند. حال و احوال مثل همیشه نبود. منتظر ماندم تا نمازش تمام شد و از او پرسیدم: چرا این قدر نگران و برآشفته‌اید؟ گفت: ساواک همسرش و مونا دخترش را ممنوع‌الخروج کرده است تا به این شکل مرا اودار به بازگشت به کشور کند. حس می‌کنم وقایعی در زندگیم در راهند! صبح روز ۲۹ خرداد برگشتم و سراغ دکتر را از دخترهایش گرفتم. گفتند: پدر هنوز خواب است! تعجب کردم، چون او معمولاً این قدر نمی‌خوابید. رفتم و در اتاقش را باز کردم و دیدم با صورت به کف زمین افتاده و صورتش کبود شده است. وضعیت جسد نشان می‌داد دکتر در لحظات آخر عمر تلاش کرده بود خود را به در اتاق برساند، اما نتوانسته بود. نکته عجیب برابم این بود که با وجود هوای سرد، پنجره اتاق باز بود!»

شما هم این مرگ را مشکوک از بیاب می‌کنید؟

دکتر فکوهی می‌گوید بلافاصله جسد را به بیمارستان مرکزی شهر می‌رسانند و آزمایش‌های لازم انجام و علت مرگ سکنه قلبی اعلام می‌شود، اما واقعیت این است که مردم و طرفداران دکتر شریعتی هیچ‌وقت این را باور نکردند و عوامل ساواک را در این قضیه دخیل می‌دانستند. این معنا از شعارهایی که مردم در زثای دکتر شریعتی سر می‌دادند مشخص بود.

روزنامه جوان شماره ۴۸۴۳

پسرش احسان، امام موسی صدر و شخصیت‌های سیاسی و علمی ایران، نمایندگان سازمان آزادی‌بخش الفتح، مفتی اهل سنت، وزیر اوقاف سوریه و عده زیادی از دانشجویان مقیم امریکا و اروپا و جمع کثیری از دوستانران دکتر شریعتی برگزار شد. امام موسی صدر بر جنازه دکتر نماز خواندند و سپس حدود ۲۰ دقیقه درباره شخصیت و سجایای اخلاقی او سخن گفت. درآن روز یکی از اعضای سازمان الفتح هم تأکید کرد: «دکتر در تمام طول حیات به فکر مردم فلسطین بود و درد‌های آنان را بازگو می‌کرد، لذا خدا خواست که او در راه فلسطین و در این قبرستان دفن شود!»

ظاهرأ مراسم چهلم دکتر شریعتی در لبنان هم، ورای انتظار بسیاری بسیار گسترده و باشکوه برگزار شد. برنامه این مراسم چه بود؟

همین‌طور است. مراسم چهلم دکتر شریعتی در لبنان با حضور هزاران تن از رزمندگان لبنانی و فلسطینی برگزار شد. شهید دکتر چمران این مراسم را ترتیب داد. او در خاطراتش می‌نویسد: «در بیروت تصمیم گرفتم برای چهلم دکتر شریعتی مراسم باشکوهی را برگزار و از همه شخصیت‌های انقلابی دنیا برای شرکت در آن دعوت کنیم. دولت ایران از این اقدام به وحشت افتاد و جاسوس خود، سرهنگ منصور قدر را در لبنان مأمور کرد که جلوی این مراسم را بگیرد. ما سالن یونسکو را که بزرگ‌ترین سالن دولتی لبنان بسود، اجاره کردیم و کارت‌های دعوت و آگهی‌های تبلیغاتی را به نام این سالن پخش کردیم، اما دولت لبنان در آخرین روز با برگزاری مراسم مخالفت کرد. در نتیجه بین امام موسی صدر و منصور قدر مشاجره سختی درگرفت. زیرا او با رشوه و تهدید دولت لبنان را وادار به این کار کرده بود. در آخرین لحظات مدرسه عاملیه که متعلق به شیعیان و در مرکز بیروت است برای برگزاری مراسم تعیین شد و عده‌ای از جوانان جنبش امل در جلوی سالن یونسکو و خیابان‌های بیروت مستقر شدند تا مردمی را که برای شرکت در مراسم به آن سو می‌آمدند، به مدرسه عاملیه راهنمایی کنند. شرکت امام موسی صدر بر شکوه مراسم افزود. وی طی سخنانی اظهار کرد: هر روز رهبر و بینانگداری در کشورهای منطقه ظهور می‌کند و هر روز می‌شنویم آنها صلاح شیعیان را می‌خواهند. اگر چنین بود، دستگاه‌های امنیتی ایران دکتر شریعتی را نمی‌کشتند و رهبران بزرگ را در ایران بازداشت نمی‌کردند.»

پس از این اقدامات امام موسی صدر نیز مورد انتقاد برخی از مخالفان قرار گرفت. واکنش او به این تبلیغات چه بود؟
فعالیت‌های مردانه امام موسی صدر برای انتقال پیکر دکتر شریعتی به دمشق و دفن آن در جوار حرم مطهر حضرت زینب(س) و نیز تلاش‌های مبدانانه ایشان برای برگزاری مراسم تشییع و ختم باشکوه، ایشان را در معرض انواع تهمت‌ها قرار داد، مخصوصاً شخص دکتر شریعتی با همه‌های ناجوامرانه کمونیست خوانده شد! امام موسی صدر در پاسخ به این اتهامات اعلام کرد: «شهیدی که بیش از ۱۵۰ مقاله اسلامی از خود به جا گذاشته است و بزرگ‌ترین افتخار متفکرین اسلامی است، چگونه می‌توان او را به کمونیست بودن متهم کرد؟» امام موسی صدر در این ماجرا در واقع خود را سپر بلای دکتر شریعتی کرد و جایگاه واقعی او را قدر نهاد.

بازتاب این فعالیت‌ها در باران ایرانی دکتر شریعتی چه بود؟

اولین بازتاب آن اعتماد و امیدواری بیشتر به روحانیت شیعه بود. دانشمندان اسلامی بصیر و آزاده‌ای چون امام موسی صدر که به دور از تعصب و خودخواهی در برابر ظلم می‌ایستند و همواره در بی‌روشنگری و ارتقای آگاهی دانش نسل جوان هستند، به عنوان الگوهای کار آمد می‌توانند به نسل جوان و انقلابی امروز که تشنه فضیلت است راه را نشان بدهند.

دکتر شریعتی پرشور و وفادار به خاندان عصمت و طهارت(ع) بود و همواره تلاش می‌کرد حق را بگوید، هر چند به ضرر او بسود. او در حد توان، فهم و تحملش مسئولیت خود را در قبال دین و جامعه‌ات انجام داد و با سخنرانی‌های پرشور و کتاب‌های مؤثر از حریم حق شجاعانه دفاع کرد و فشارهای رژیم شاه و مخالفان خود را به جان خرید و تبعید، زندان و شکنجه‌های روحی فراوان را تاب آورد و سرانجام هم جلای وطن کرد و غریبانه در دیار غربت به طرز مرموزی به شهادت رسید، اما پاری خداوند شامل حال این بنده دلسوز و مخلص شد و با شکوهی حیرت‌انگیز در جوار آرامگاه شیرزن کر بلا، زینب کبری(س) به خاک سپرده شد تا مرقدش همواره قیله دل‌های بیدار شیعیان باشد. آثار ماندگار وی به اکثر زبان‌های زنده دنیا ترجمه و در اقصی نقاط عالم منتشر شده‌اند.

وسخن آخر؟

سخنم را با دو بیت شعر درباره این دوست عزیز و قدیمی به پایان می‌برم و برایش علو درجات از خداوند متعال می‌خواهم که انصافاً دلسوزخته و دلسوز بود و تا آنجا که در توان داشت سعی کرد نسل جوان را از چنگال گرایش‌های چپ برهاند و با مکتب اهل بیت(ع) آشتی دهد.
برخاک شریعتی که باشد در شام از ما و خادوند بر با باد سلام او دشمن زور و زور و تزویر بود
روشنگر نسل‌های تازه است مدام